



## تیغ و ابریشم

## ساعت ناامیدی

فیلم جنجالی حمید نعمت‌الله  
باز هم رنگ پرده را به خود ندید

در دقیقه ۹۰ همان اتفاقی رخ داد که پیش از این هم شاهدش بودیم؛ در حالی که ستاد جشنواره پیش از این اعلام کرده بود «قاتل و وحشی» در جشنواره اکران خواهد شد، دپو خبر رسید که نمایش فیلم حمید نعمت‌الله منتفی شده است. به این ترتیب «قاتل و وحشی» برای ششمین بار از رسیدن به فیلم فجر بازماند. این فیلم قرار بود صرفاً در برج میلاد و برای اهالی رسانه به نمایش درآید. پیش از این سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد، دبیر پیشین جشنواره فجر و مدیر ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی در سال‌های قبل در گفت‌وگویی در سینمای رسانه جشنواره فجر امسال درباره فیلم «قاتل و وحشی» بیان کرد: «اینکه به‌تازگی اعلام شده این فیلم پروانه نمایش برای حضور در جشنواره فجر دریافت کرده، بی‌اطلاعم و ممکن است چنین مجوزی صادر شده باشد اما اینکه چرا فیلم «قاتل و وحشی» طی ۵ سال در محاق توقیف مانده، علتی دارد که تقریباً همه آن را می‌دانند؛ بیش از ۴۳ دقیقه در این فیلم خانم لیلا حاتمی با سر تراشیده ایفای نقش کرده است. ممکن است این سؤال پیش بیاید که مگر پیش‌تر در سینمای ایران، تصویر زن با سر تراشیده نداشته‌ایم؟ بله، داشتیم و فکر می‌کنم ۶ یا ۷ مورد این سابقه را داشتیم. معروف‌ترین آنها هم فیلم «سرب» است که حدود یک‌ونیم دقیقه خانم فریمه فرجامی با سر تراشیده در قاب حضور دارد. باز ممکن است این سؤال پیش بیاید که اگر نمایش سر تراشیده یک زن همان حکم موی او را دارد، خوب چرا آن یک دقیقه مجاز بوده و این ۴۰ دقیقه مجاز نیست؟ آیا حرمت آن، زمان دارد؟ اینها مسائل فقهی است که طبق قانون تصمیم‌گیری درباره آن برعهده روحانی عضو شورای پروانه نمایش است و آیین‌نامه در این زمینه تأکید دارد.»

طباطبایی نژاد در این مصاحبه در حاشیه برنامه کافه آپارات ادامه داده است: «در تمام این سال‌ها همواره نظر دوستان این بود که از نظر شرعی، برای نمایش این فیلم ممنوعیت وجود دارد؛ چراکه معتقدند از نظر فقهی، پوست سر زن، حکم موی سر او را دارد.»

سعید مستغاثی، منتقد سینما و عضو سابق شورای پروانه ساخت و نمایش نیز در یک برنامه سینمایی گفته بود: «طبق آیین‌نامه روحانی شورا باید در مورد مسائل فیلم «قاتل و وحشی» نظر می‌داد. همه ما با فیلم حمید نعمت‌الله در شورا موافق بودیم و ظاهر لیلا حاتمی هم در این فیلم مانعی از جانب ما نداشت. روحانی شورا از دفاتر مراجع پرسید و آنها جواب منفی به نمایش این فیلم دادند. به نظر من قاتل و وحشی یکی از بهترین آثار سینمایی ما در چند دهه اخیر است.»

مسعود فراسستی نیز در برنامه «کات» این فیلم را جزو آثار قابل قبول سینمای ایران دانست. در واقع فیلمی که از نگاه کارشناسان اثر قابل توجهی است و حتی مضمون ملتهب و خلاف هنجاری هم ندارد، به دلیل تراشیده شدن سر بازیگر زن همچنان راهی به پرده نمی‌یابد.



■ **سه:** فریاد فیلم اول کارگردانش و فیلم سختی به لحاظ ساخت است.

در انتخاب نقش‌ها و بازی‌ها جسور است و به همین دلیل بعد از تماشای فیلم حتما بازی بهزاد دورانی (ارباب) و یاسین طلوعی (هاوار) را به یاد خواهید سپرد؛ بازی‌هایی که بسیار هوشمندانه با ترس و بی‌پروایی ممزوج شده‌اند. فیلمبرداری و طراحی صحنه فیلم بسیار به جان کارنسنسته و البته دکوپاژ آقای کارگردان هم در یک مرغداری و محوطه پیرامونی‌اش دقیق است. به این دلایل ساده ولی مهم، فریاد فیلم خوبی است.

■ **چهار:** هاوار نام کاراکتر باغی و البته نوجوان فیلم است. عنوان فریاد از معنی این نام کردی که در فیلم به کردهای عراق نسبت داده می‌شود، گرفته شده است.

هاوار از پس بیداد و ظلم، صبوری می‌کند و خاموش می‌ماند تا به عصیان برسد و فریاد بزند. سکوت و خاموشی او و البته عصیان و فریادش واقعا درست و نفسگیر از آب درآمده است. به این دلیل، فریاد فیلم خوبی است.

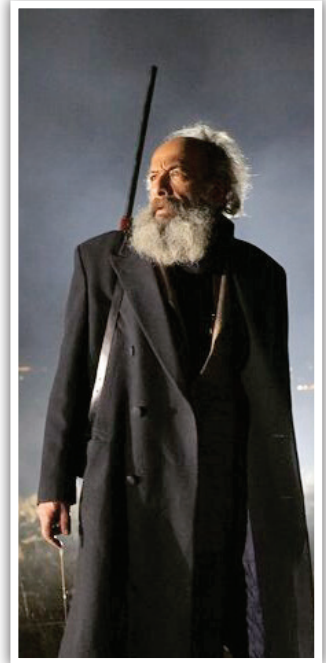
## ۴ ستایش از فریاد که به یادمان می‌آورد سینما مثل زندگی سخت است

## از این بیداد می‌کنم فریاد

مسعود میر

■ **یک:** فیلم بدون هیچ اتلاف وقت و ادا و اطوار اضافی می‌رود سراغ تعریف کردن قصه‌اش. شاید باورتان نشود، اما برای سینمایی که بسیاری از فیلم‌هایش تا رسیدن به داستان اصلی، هزار تاب می‌خورند، این فیلم یادآور می‌شود که سینمای قصه‌گو و استخوان‌دار آنقدر به داستان و کشش آن مطمئن است که بی‌خود وقت تلف نمی‌کند و دست آخر هم مواجه نمی‌شود با انبوه تماشگرانی که معتقدند فیلم نیم‌ساعت اضافه دارد. به همین دلیل ساده، فریاد فیلم خوبی است.

■ **دو:** انبوه فیلم‌های شهری و آپارتمانی و بسیار فیلم‌های مثلاً غیرشهری را که در روستاها و جنگل‌ها اعصاب می‌سایند، بگذارید کنار و فریاد را ببینید که یک فیلم غیرشهری و البته فارغ از سانتی‌مانتالیسم طبیعت‌گراست. فیلم در زمختی و بی‌رحمی حاشیهای روستاهای دورافتاده و کم‌جمعیت، مسافر قصه‌اش را پیاده و در پایان هم بدرقه‌اش می‌کند. به این دلیل ساده، فریاد فیلم خوبی است.



## سینمای زنی در میان جمع

آیا یک وجب خاک می‌تواند سیمرغ بلورین بهترین فیلم  
مستند را دریافت کند؟

پونه مجدفر

«یک وجب خاک» ساخته نیما مهدیان پیش از چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، در هجدهمین جشنواره سینماحقیقت روی پرده رفت. فیلم، یک مستند اجتماعی واقع‌گراست که موضوعش را از دل شهر پیدا کرده و با او به گذشته سر می‌زند. زهرا فتاحیان زنی است در آستانه ۴۰ سالگی و مجرد که همراه دختر نوجوانش به دنبال یک خانه مناسب می‌گردد. این نقطه شروع ماجرای است که هر چه پیش می‌رود تراژیک‌تر می‌شود.

«یک وجب خاک» در امروز متوقف نمی‌شود، جامعه مردسالار را نقد و از نادیده گرفتن حقوق زنان و فرزندان شهدا انتقاد می‌کند و سلامت و عزت نفس آنان را بدون شعارزدگی به تصویر می‌کشد. فیلم به نیمه می‌رسد که تماشاگر متوجه می‌شود زهرا فرزند شهید است و او و مادرش هرگز از این ویژگی بهره و امتیازی نبرده‌اند. فیلم در این مرحله نمی‌ایستد و جدایتش را حفظ می‌کند، همراه شخصیت پیش می‌رود و با او به امروز می‌رسد؛ به روزگاری که شرایط برای زندگی یک زن و دختر در شهر سخت شده و بالا رفتن بهای اجاره، تأمین زندگی را برای زهرا سخت کرده است.

زهرا زنی از طبقه فرودست نیست. او تحصیلکرده و شاغل است، اما بحران اقتصادی

کمر او را شکسته. «یک وجب خاک» با نزدیک شدن به شخصیت‌هایش بدون اینکه کارگردانی به چشم بیاید یا گل درشت باشد، تماشاگرش را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

«یک وجب خاک» از چند منظر فیلم مهمی است؛ نخست اینکه تصویری تازه از خانواده قهرمانان جنگ برای بیننده‌اش می‌سازد. دختر قهرمان، تنهاست و هیچ دستی برای یاری او وجود ندارد. نکته بعد، فیلم بدون اینکه ادعای این موضوع را داشته باشد تأثیر شرایط اقتصادی بر زندگی مردم را واکاوی می‌کند. از این منظر فیلم رنگ و بوی زمان ساخت خود را می‌گیرد و به یک سند تصویری از یک دوره دشوار حیات

اجتماعی

ایران امروز تبدیل

می‌شود. «یک وجب خاک» تولید

مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی است و به‌عنوان یک فیلم که در نهاد دولتی ساخته شده، مؤثر و جسورانه است؛ فیلمی که در هجدهمین جشنواره سینماحقیقت تنها یک جایزه به‌دست آورد؛ جایزه ویژه دبیر برای شخصیت اصلی یعنی، زهرا فتاحیان.

با نزدیک شدن به اختتامیه چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، احتمال دریافت سیمرغ بلورین برای این فیلم بیشتر شده است. باید دید هیأت داوران کدام یک از مستندهای این دوره را شایسته دریافت سیمرغ بلورین می‌داند.

